

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره بیستم، پائیز ۱۳۹۲

ص ص ۱۲۸-۱۱۵

بررسی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصادی و توسعه اقتصادی، اجتماعی ایران

دکتر محمدرضا ناهیدی امیرخیز^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۷

چکیده

با نگاهی به وضعیت اقتصاد کشور بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه دهه اخیر به نظر می‌رسد که ایجاد تعادل نسبی در اقتصاد ما به مسئله‌ای مهم تبدیل شده است. تغییرات ناگهانی و نارسایی‌های عمیق در شاخص‌های مهمی چون تورم، نرخ ارز، صادرات و واردات و بیکاری، اثباتی بر این مدعا و نشان از عدم وجود سیاست‌های یکپارچه و استوار اقتصادی دارد که سبب شده است. این عوامل از جمله عواملی است که همواره دولت‌ها در صدد کنترل آن‌ها به منظور رسیدن به اهداف سه‌گانه تخصیص، توزیع و ثبات اقتصادی می‌باشند. در ادبیات اقتصاد کلان وجود پدیده‌های مذکور بعنوان شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی قلمداد می‌شوند که بر رشد و توسعه اقتصادی موثرند. این مقاله اثر شاخص‌های بی‌ثباتی بر توسعه اقتصادی ایران را طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۲ با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل خود توضیح‌برداری (VAR) مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از بررسی تأثیرپذیری توسعه اقتصادی از عوامل مذکور را مورد تأیید قرار داده و توجه به این عوامل در رابطه با سیاست‌های تجاری و تحقق حماسه اقتصادی را روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی اقتصادی، توسعه اقتصادی، مدل خود توضیح‌برداری (VAR).

مقدمه

پس از ارائه گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۱ ضرورت و اهمیت ثبات اقتصاد کلان مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفت. نتایج این گزارش نشان داد که کشورهایی که ثبات اقتصادی بیشتری داشته و در آن‌ها سیاست‌های دولت بصورت مناسب اجرا شده است عملکرد بهتری نسبت به کشورهای بی‌ثبات داشته‌اند.

ثبات اقتصاد کلان، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد و بنابراین می‌توان از آن به عنوان مبنای اساسی رشد پایدار اقتصادی تعبیر نمود زیرا رشد پایدار اقتصادی مستلزم کارکرد آزاد و رقابتی قیمت‌ها و ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد (محیط امن اقتصادی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد) (Dhonte & et al, 1997: 18).

هم‌چنین ثبات اقتصاد کلان در جهت سیاست‌های اقتصادی و اعتبار متولیان پولی و مالی کشور در مدیریت کارآمد اقتصادی برای بخش خصوصی، علایم مهمی به دنبال دارد (Fischer, 1993: 25)، و موفقیت هرگونه برنامه آزادسازی و اصلاحات مالی و سیاست‌های تعدیل، مستلزم ثبات اقتصاد کلان می‌باشد (Turtelboom, 1991: 12). و در نهایت با اصلاح توزیع درآمد، ثبات اجتماعی و سیاسی را تقویت نموده و به این ترتیب، حرکت به سمت یک دولت و جامعه مطلوب را برنامه‌ریزی می‌کند.

فیشر^۱ (۱۹۹۳) ثبات اقتصادی را وضعیتی می‌داند که در آن شرایط زیر برقرار باشند:

۱. نرخ تورم پایین و قابل پیش‌بینی باشد.

۲. نرخ واقعی بهره، برای سرمایه‌گذاری مناسب باشد.

۳. سیاست مالی عاری از نوسان و اختلال و پایدار باشد و بودجه دولت به خوبی مدیریت گردد، به عبارت دیگر نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی در سطح قابل قبولی حفظ شود (فزاینده نباشد) و استفاده از اعتبارات سیستم بانکی برای تامین بدهی‌ها در سطح حداقل قرار گیرد.

۴. نرخ ارز در سطحی نزدیک به مقدار تعادلی آن تعیین گردد.

وضع خاص کشورهای آسیایی سبب شده که فروش محصولات اولیه و مواد نفتی خام این کشورها به دیگر کشورهای جهان، بیشترین سهم درآمد ملی آن‌ها را تشکیل دهد. ولی بر خلاف کشورهای تولیدکننده نفت، غالب کشورهای در حال توسعه برای تامین بخش اعظم نیاز ارزی خود متکی به صادرات مواد اولیه غیرمعدنی هستند. از آنجا که بازار صادراتی این کالاها اغلب از ثبات کافی برخوردار نیست، وابستگی به صادرات این‌گونه کالاها همواره با نوعی خطر و بی‌ثباتی همراه است. علاوه بر این، اغلب این کشورها متکی به واردات مواد خام، ماشین‌آلات، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای تولیدی واسطه‌ای و کالاهای مصرفی برای گسترش صنایع خود و رفع نیازهای مصرفی مردم خود هستند. اما معمولاً تقاضای واردات بیشتر از فروش کالاهای صادراتی است و بنابراین سبب ایجاد کسری مزمن در حساب جاری کشور خواهد شد. این امر نیز با بی‌ثباتی بیشتری در اقتصاد این کشورها همراه است و در

¹. Fisher

عین حال می‌تواند تا حد زیادی توانایی کشورها را برای تعیین مطلوب‌ترین استراتژی توسعه محدود کند (Larch & et al, 2010: 6).

با نگاهی به وضعیت اقتصاد کشور بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه دهه اخیر و نزدیک‌تر از آن، سالی که گذشت در می‌یابیم که ایجاد تعادل نسبی در اقتصاد ما به مسئله‌ای مهم تبدیل شده است. تغییرات ناگهانی و نارسایی‌های عمیق در شاخص‌های مهمی چون تورم، نرخ ارز، صادرات و واردات و بیکاری، اثباتی بر این مدعا و نشان از عدم وجود سیاست‌های یکپارچه و استوار اقتصادی دارد که سبب شده است با تغییر در شرایط، برای مثال ایجاد تغییر در درآمدها و هزینه‌ها و یا تغییر در سیاست‌های خارجی، ضربات مهلک بلندمدت و کوتاه‌مدت به اقتصاد و معیشت مردم وارد شود و کشور را از مسیر پیشرفت و تبدیل شدن به الگویی اسلامی در جهان دور کند. وابستگی به درآمدهای خطرناک نفتی، عدم وجود زیر-ساخت‌های مناسب تولیدی، ضعف توان در صادرات غیرنفتی و واردات گسترده برخی از کالاهای مصرفی که ناشی از سیاست‌های مقطعی و کوتاه مدت است سبب انفعال اقتصادی و عدم انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با تغییر شرایط گشته است.

بنابراین لازم است تا با پرداختن به این مسائل مهم اقتصادی که نتایج آن در تنگی معیشت مردم و سپس، بروز مشکلات فرهنگی حاصل از آن، خود را نشان می‌دهد، شرایط را به سمت بهبود وضعیت کشور سوق داد.

جهت برون رفت از وضعیت فعلی و رسیدن به ثبات اقتصادی و پس از آن حرکت به سمت پیشرفت و رشد پایدار لازم است تا راهکارهایی به صورت پیوسته و منسجم عملی شود. موارد مشابهی از این راهکارها و سیاست‌های منسجم که امروز اقتصاد ما نیازمند آن است در کشورهایی هم‌چون آلمان نیز بعد از جنگ جهانی دوم و شرایط سخت آن زمان این کشور اجرا شده است که نگاه به آن، نیاز به برنامه‌های این‌چنینی را در شرایط فعلی برای ما بیش از پیش تقویت می‌کند. لذا در این مقاله جهت بررسی نقش بی‌ثباتی اقتصادی در توسعه اقتصادی ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل خود توضیح‌برداری (VAR) به بررسی اثرات بلند مدت و کوتاه مدت متغیرهای بی‌ثباتی اقتصادی بر توسعه اقتصادی ایران پرداخته شده است. امید است تا با پرداختن به این مسائل مهم اقتصادی که نتایج آن در تنگی معیشت مردم و سپس، بروز مشکلات فرهنگی حاصل از آن، خود را نشان می‌دهد، شرایط را به سمت بهبود وضعیت کشور سوق داد.

عدم وجود نوسانات بیش از حد در اقتصاد کلان را ثبات اقتصادی گویند. این بدان معناست که اقتصادی با خروجی و رشد نسبتاً ثابت و تورم پائین را اقتصادی باثبات و پایدار گویند. هم‌چنین اقتصادی که به صورت مکرر از رکودهایی بزرگ و پائین بودن چرخه کسب و کار و همین‌طور تورم بسیار بالا یا متغیر برخوردار باشد را اقتصادی ناپایدار نام خواهند برد. عدم تعادل مالی و یا یک رشته از نتایج که حاصل بررسی‌های غیر حرفه‌ای در پیش‌بینی‌های مالی بوده و سبب شده تا اندوژنوسی در سیستم به وجود آید و

پراکندگی‌های مالی مکرر حاصل از آن سبب تشنج در اقتصاد شود را بحران مالی گویند (Burda & et al, 2010: 11). در تعریف و توصیف یک اقتصاد باثبات، بر پنج شاخص نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداخت‌ها تأکید می‌گردد. در صورتی که کسری بودجه (به صورت نسبی از GNP) در سطح معقولی باشد و نرخ تورم نیز کم و بیش قابل پیش‌بینی باشد، نرخ واقعی ارزش رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و وضعیت نرخ بهره و تراز پرداخت‌ها مناسب رشد و توسعه باشد، اقتصاد شرایط باثباتی خواهد داشت، این تصویری است که عموماً در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌گردد. در مقابل کشورهای در حال توسعه غالباً با نرخ‌های بالا و متغیر تورم، کسری بودجه فزاینده و ناپایدار، نوسانات شدید نرخ واقعی ارز و کسری مزمن تراز پرداخت‌ها مواجه هستند (Heipertz & et al, 2010: 15). ثبات اقتصادی مبنای اساسی رشد پایدار اقتصادی است. زیرا پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد. رشد پایدار اقتصادی مستلزم کارکرد آزاد و رقابتی قیمت‌ها و ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده و در این ارتباط ثبات اقتصادی می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد. به علاوه ثبات اقتصادی درباره جهت سیاست‌های اقتصادی و اعتبار متولیان پولی و مالی کشور در مدیریت کارآمد اقتصادی برای بخش خصوصی، علایم مهمی به دنبال دارد (Jonung & et al, 2008: 9).

هم‌چنین موفقیت هرگونه برنامه آزادسازی و اصلاحات مالی و سیاست‌های تعدیل، مستلزم ثبات اقتصادی می‌باشد و در نهایت با اصلاح توزیع درآمد، ثبات اجتماعی و سیاسی را تقویت نموده و به این ترتیب، حرکت به سمت یک دولت و جامعه مطلوب را پی‌ریزی می‌کند (Heipertz & et al, 2010: 15). جهت رسیدن به ثبات اقتصادی و پس از آن حرکت به سمت پیشرفت و رشد پایدار لازم است تا هفت گام به صورت پیوسته و منسجم طی شود. این هفت گام که سه مورد اول آن فراهم کننده ثبات اقتصادی و چهار مورد بعدی‌اش، حرکت در مسیر پیشرفت را میسر می‌کند عبارتند از:

- گام اول: افزایش امنیت و ثبات پولی با تثبیت پول و نرخ ارز

جهت ایجاد اعتماد در جامعه و افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌انداز لازم است تا با سیاست‌ها و راهکارهایی، امنیت پولی ایجاد شود و نرخ ارز به صورت شناور مدیریت شده و با نوسان کم در مقداری معقول تثبیت گردد و هم‌چنین وابستگی به ارزها کاهش یابد.

- گام دوم: حمایت از تولید داخل و مهار و کاهش رکود عرضه

پس از ایجاد امنیت پولی و افزایش اعتماد به سرمایه‌گذاری، حمایت از تولیدات داخلی که ظرفیت‌های مناسبی در آن‌ها وجود دارد در گام بعدی قرار دارد تا علاوه بر کاهش رکود و کمبود عرضه که منجر به واردات می‌گردد، تا آن‌جا که ممکن است بیکاری کاهش یابد.

- گام سوم: مهار تورم و کاهش آن

علاوه بر این که دو گام قبلی به مهار تورم و کاهش آن منجر می‌شود لازم است تا با سیاست‌های مالی و پولی معتدل و انقباضی، روندی کاهش‌ی در تورم ایجاد کرد تا شرایط رسیدن به ثبات اقتصادی نسبی فراهم شود.

- گام چهارم: استفاده از درآمدهای سرمایه‌ای (مانند درآمدهای نفتی) به نحوه صحیح

پس از رسیدن به ثبات نسبی اقتصادی، در این گام باید سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا استفاده از درآمدهای سرمایه‌ای به نحوی صورت پذیرد که به ایجاد زیرساخت و حمایت از تولید و صادرات و همچنین کاهش واردات بیانجامد و سبب ایجاد تورم و وابستگی به این درآمدها نگردد. در واقع این گام پیش‌نیازی بر سه گام بعدی است.

- گام پنجم: ایجاد زیرساخت‌های عمرانی و تولیدی

ایجاد زیرساخت‌های عمرانی در حوزه‌هایی چون حمل و نقل و زیرساخت‌های تولیدی در حوزه‌هایی که مزیت‌های مستعدمنطقه‌ای را شکوفا می‌کند با سیاست‌ها و راهکارهایی که بهره‌وری را در فراهم کردن این زیرساخت‌ها افزایش می‌یابد در این مرحله باید صورت پذیرد.

- گام ششم: افزایش توان صادرات غیرنفتی

پس از فراهم کردن زیرساخت‌ها، باید سیاست‌هایی در حمایت از صادرات غیرنفتی جهت کاهش وابستگی‌ها و ایجاد ارتباطات بهینه بین‌المللی صورت پذیرد تا علاوه بر تامین ارز مورد نیاز کشور از این طریق، مزیت‌های صادراتی فعال گردد.

گام هفتم: کنترل و کاهش واردات

در گام آخر، جهت کاهش بیش از پیش وابستگی و پیشرفت شتابان، لازم است سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا با جایگزینی واردات در حوزه‌هایی که توان آن وجود دارد، تولید را افزایش داده و بیکاری را بیش از پیش کاهش داد (Jonung & et al, 2008: 12).

پیشینه تحقیق

خلیلی‌عراقی و رمضانپور (۱۳۸۰) در مطالعه خود با عنوان "اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان"، به تبیین اثرات یک محیط با ثبات اقتصاد کلان بر نرخ رشد تولید ناخالص واقعی سرانه بر اساس تفسیر بسط یافته‌ای از مدل رشد نئوکلاسیک مبتنی بر درون‌زایی پیشرفت فنی پرداخته‌اند. در این تحقیق بر اساس یک معادله رگرسیونی پیشنهادی برای ایران در دوره زمانی ۷۷-۱۳۴۲، از چهار شاخص برای تصریح یک محیط با ثبات اقتصاد کلان استفاده شده که عبارتند از: نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، تغییرات درصدی نرخ واقعی ارز و انحراف معیار رشد رابطه مبادله. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران یک مانع جدی رشد واقعی است. ایجاد و حفظ یک محیط با

ثبات اقتصادکلان مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت (برقراری اصل مهم انضباط مالی) بوده و در این راستا مدیریت و سیاست‌های اقتصادکلان در واکنش به شوک‌های داخلی و خارجی نقش تعیین کننده‌ای دارند (خلیلی عراقی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲).

گرچی و مدنی (۱۳۸۲) در مقاله تحقیقاتی خود تحت عنوان "بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی با روش معادلات همزمان" به بررسی اثر متقابل سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص داخلی با تکیه بر نقش ثبات اقتصادی و عوامل موثر بر رشد از طریق حداقل مربعات سه مرحله‌ای می‌پردازد. نتایج مبین آن است که شرایط بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران در دوره ۷۹-۱۳۴۲ به خصوص طی سه دهه آخر موجب کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی شده است (گرچی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱-۲۴).

گسگری، قنبری و اقبالی (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان "بی‌ثباتی اقتصاد کلان و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران" به بررسی تاثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پرداخته‌اند. در این مقاله متغیرهای کسری بودجه، کسری تراز بازرگانی، نرخ تورم، نرخ ارز و رابطه مبادله خارجی به عنوان پایه بی‌ثباتی اقتصاد کلان در نظر گرفته شده‌اند و با استفاده از روش میانگین متحرک با یک دوره پنج‌ساله روند بی‌ثباتی متغیرهای مورد نظر برآورد شده است. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که سطح عمومی قیمت‌ها رابطه منفی و معنی‌داری و تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیر سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی دارند، به طوری که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، منجر به افزایش ۱/۵ درصدی در سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی می‌شود افزایش نسبت کسری بودجه و کسری تراز بازرگانی نیز با دو وقفه زمانی مثبت و معنی‌دار می‌باشند. اثر نوسانات رابطه مبادله بی‌معنی و اثر نوسانات نرخ ارز نیز بسیار ضعیف است. نتایج نشان می‌دهد که بی‌ثباتی کسری بودجه در تولید ناخالص داخلی نشان دهنده اندازه زیاد دخالت دولت است و بیشترین اثر را بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد (گسگری و همکاران، ۱۳۸۵: ۶).

صامتی و بهنود (۱۳۹۱) تاثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیا از طریق رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی در سال ۲۰۰۵ بررسی کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که به دلیل مکان‌مند بودن داده‌ها اقتصادسنجی فضایی براققتصادسنجی عمومی و تکنیک رگرسیون وزنی جغرافیایی به عنوان زیر شاخه‌ای از اقتصادسنجی فضایی بر روش GLOBAL برتری دارد. همچنین ناهمسانی فضایی متغیرهای نرخ ارز و کسری بودجه تایید شده اما وابستگی فضایی متغیر توسعه انسانی مورد تایید قرار نگرفته است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷).

لوین^۱ و دیگری (۱۹۹۰) در مطالعه خود با عنوان "تحلیل حساسیتی رگرسیون‌های رشد بین‌کشوری" به بررسی تعداد زیادی از متغیرهای اثرگذار اقتصادی و سیاسی بر رشد ۱۰۱ کشور طی دوره ۷۹-۱۹۶۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان‌دهنده این است که رابطه بین رشد و دیگر شاخص‌های ویژه اقتصاد کلان، به جز سرمایه‌گذاری، ضعیف می‌باشد (Levin & et al, 1990).

فیشر از جمله کسانی است که به اهمیت ثبات اقتصاد کلان پی‌برده و به طور صریح به آن توجه کرده است. او در یک مطالعه بین‌کشوری در سال ۱۹۹۱ با بسط معادله اساسی رشد لوین-رنلت^۲ شاخص‌های معرف بی‌ثباتی را وارد این معادله کرده و تخمین می‌زند. متغیرهای مورد نظر او عبارت‌اند از تورم، کسری بودجه و بدهی خارجی. نتایج مبین این است که رشد سرانه با تورم، کسری بودجه و بدهی خارجی رابطه منفی داشته است. او سپس کار خود را در سال ۱۹۹۳ ادامه داده و به تجزیه و تحلیل کانال‌های اثرگذاری سیاست‌های دولت می‌پردازد. در این زمان قیمت بازار آزاد نرخ ارز را هم به مدل اضافه کرده که نتایج به شدت تاثیر مثبت ثبات اقتصاد کلان را بر رشد تایید می‌نماید. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که تورم از طریق کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ رشد بهره‌وری، موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی خواهد گشت و بالاخره این که ثبات نرخ ارز و نرخ مازاد بودجه نیز با انباشت سرمایه و بهره‌وری، به افزایش رشد اقتصادی کمک خواهد نمود.

پیندیک^۳ و دیگری (۱۹۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بی‌ثباتی اقتصادی و سرمایه‌گذاری کل" اثر بی-ثباتی اقتصادی را بر سرمایه‌گذاری کل را برای دو دسته کشورها (با تورم پایین و بالا) با روش رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۶۰ بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند که رابطه میان نوسانات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در یک دهه منفی است و در کشورهای درحال توسعه مقدار بزرگ-تری دارد (Pindyck & et al, 1993).

هدی مایکل^۴ و دیگری (۱۹۹۴) در مطالعه خود با عنوان "نوسانات اقتصاد کلان در صحرای آفریقا" به ارزیابی عملکرد کشورهای صحرای آفریقا پرداختند. آن‌ها ۴۱ کشور را طی دوره ۹۳-۱۹۸۶ با استفاده از یک مدل VAR مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که عملکرد ضعیف این کشورها به واسطه سیاست‌های نامناسبی بوده است که توسط آن‌ها دنبال شده است. بررسی آن‌ها نشان داده است که در کشورهایی که سیاست‌های مناسب و هماهنگی توسط دولت اتخاذ شده، رشد سرانه GDP مثبت بوده و عملکرد بهتری داشته‌اند. آن‌ها متغیرهای نرخ تورم، کسری بودجه و واگرایی نرخ ارز (نسبت نرخ ارز بازار آزاد به نرخ رسمی) را به عنوان شاخص‌های بی‌ثباتی در نظر گرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت کشورهایی که از محیط با ثبات اقتصاد کلان برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند نرخ رشد بیشتر،

¹ Levin

² Levin-Renlet

³ Pindyck

⁴ Hadjimicheal

پس‌انداز داخلی و سرمایه‌گذاری خصوصی بالاتری نسبت به کشورهای بی‌ثبات داشته باشند (Hadjimicheal & et al, 1994).

در مطالعه دیگری بلینی^۱ (۱۹۹۶) به بررسی ۴۱ کشور درحال توسعه طی دوره ۹۰-۱۹۸۰ می‌پردازد. از نظر او کسری بودجه مداوم، تورم فزاینده و سیاست‌های نادرست بیانگر مدیریت ضعیف اقتصاد کلان و به تعبیری دیگر بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان می‌باشد. بلینی ضمن برآورد متغیرهای بی‌ثباتی در معادلات رشد و سرمایه‌گذاری، ترکیب این متغیرها را با سرمایه‌گذاری در تابع رشد بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که سیاست‌های نامناسب و ناهماهنگ دولت، تأثیر منفی مهمی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه دارد. همچنین نتایج مبین این است که بی‌ثباتی عمدتاً از طریق کاهش کارایی انباشت سرمایه، موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود (Bleany, 1996). پس از بلینی، اندرسون^۲ و دیگری (۱۹۹۵) به بررسی اثرات سیاست‌های کلان بر رشد اقتصادی برای استرالیا طی دوره ۹۴-۱۹۶۰ پرداخته و این کشور را با کشورهای صنعتی، آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقایی مقایسه و ارزیابی نمودند. نتیجه مقایسه این است که، اگرچه نسبت سرمایه‌گذاری به GDP در کلیه این مناطق در دوره‌های مورد بررسی تقریباً یکسان است، ولی عملکرد کشورها در رشد اقتصادی بسیار متفاوت بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرچند انباشت سرمایه برای رشد اقتصادی لازم است ولی کافی نیست و در صورت بی‌ثباتی نمی‌توان کارایی مورد نظر را از سرمایه‌گذاری انتظار داشت (Andersen & et al, 1995).

ابزار و روش

در این بخش به بررسی تأثیر متغیرهای بی‌ثباتی بر توسعه اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۵۸ پرداخته می‌شود. تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی با استفاده از نرم افزار Eviews به انجام رسیده است. بسیاری از پژوهشگران مسائل اقتصادی برای معرفی بی‌ثباتی در اقتصاد کلان بر پنج شاخص تکیه می‌کنند. این شاخص‌ها، نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، تراز پرداخت و کسری بودجه است که از سوی بانک جهانی (۱۹۹۳-۱۹۹۱)، فیشر (۱۹۹۶)، هدی مایکل و همکاران (۱۹۹۴)، به کار برده شده‌اند. بلینی بی‌ثباتی را در نرخ تورم، نسبت کسری بودجه به GDP و نسبت بدهی جاری به GDP تعریف می‌کند. این مطالعات نشان می‌دهد که بی‌ثباتی، اثر معنی‌داری بر صادرات و رشد اقتصادی داشته است.

در این مطالعه نرخ تورم، کسری تراز بازرگانی، رابطه مبادله خارجی، کسری بودجه و تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای بی‌ثباتی تعریف می‌گردد.

فرم عمومی مدل مورد استفاده به صورت زیر است:

$$GDP=f(P, BS, FE, BD)$$

^۱. Bleany

^۲. Andersen

مدل تخمینی ما به صورت نیمه لگاریتمی می‌باشد:

$$GDP = \alpha_0 + \alpha_1 LP + \alpha_2 LBS + \alpha_3 LFE + \alpha_4 LBD$$

می‌باشد که در آن:

GDP: نشان دهنده تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (شاخص توسعه اقتصادی، اجتماعی)

LP: نشان دهنده لگاریتم شاخص بهای مصرف کننده (نرخ تورم)

LBS: نشان دهنده لگاریتم کسری تراز بازرگانی

LFE: نشان دهنده لگاریتم رابطه مبادله خارجی

LBD: نشان دهنده لگاریتم کسری بودجه

داده‌های مورد نیاز این مطالعه شامل توسعه اقتصادی، نرخ تورم، کسری تراز بازرگانی، رابطه مبادله خارجی و کسری بودجه می‌باشد که از مجموعه سری‌های زمانی بانک مرکزی و مرکز مطالعات آماری، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی (SESRIC) طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ جمع‌آوری شده است. از آنجا که سری‌های زمانی در اقتصاد، غالباً ناپایا هستند به کارگیری روش‌های متداول اقتصادسنجی مانند روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای سری‌های زمانی ناپایا در موارد بسیاری به تفسیر نادرست نتایج منجر می‌شود.

از این رو در این تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیونی با استفاده از الگوی خود توضیح برداری (VAR) به روش هم جمعی یوهانسن - جوسیلیوس برای برازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

برای آزمون پایایی متغیرهای الگو آزمون دکی فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است.

جدول شماره (۱): آزمون ریشه واحد در سطح متغیرها (آزمون دکی فولر تعمیم یافته)

متغیر	عرض از مبدا	روند زمانی	ADF آماره	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۱	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۵	ارزش بحرانی در سطح ۰/۱	نتیجه
GDP	دارد	ندارد	-۲/۶۵	-۴/۷۵	-۳/۴۴	-۳/۰۲	ناپایا
LP	ندارد	ندارد	۰/۳۶	-۲/۴۴	-۱/۲۵	-۱/۴۷	ناپایا
LBS	دارد	ندارد	-۲/۱۴	-۴/۵۴	-۳/۳۵	-۳/۰۱	ناپایا
LFE	دارد	ندارد	-۱/۴۸	-۳/۶۴	-۲/۹۴	-۳/۶۱	ناپایا
LBD	دارد	دارد	۰/۲۸	-۳/۴۵	-۲/۹۹	-۲/۶۵	ناپایا

جدول شماره (۲): آزمون ریشه واحد با تفاضل مرتبه اول متغیرها (آزمون دگی فولر تعمیم یافته)

متغیر	عرض از مبدا	روند زمانی	ADF آماره	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۱	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۵	ارزش بحرانی در سطح ۰/۱	نتیجه
GDP	دارد	دارد	-۴/۷۸	-۲/۸۸	-۱/۷۲	-۱/۱۴	پایا
LP	دارد	ندارد	-۷/۳۱	-۲/۸۸	-۱/۹۵	-۱/۶۱	پایا
LBS	دارد	ندارد	-۴/۸	-۳/۵۵	-۲/۹۷	-۲/۸۸	پایا
LFE	دارد	ندارد	-۴/۵۷	-۳/۶۳	-۲/۹۴	-۲/۶۱	پایا
LBD	دارد	دارد	-۴/۴۵	-۲/۶۵	-۱/۴۱	-۱/۲۶	پایا

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته بدین صورت است که تمامی متغیرها پس از یک بار تفاضل‌گیری و با درجه همگرایی یک ساکن می‌شوند.

در زمینه بررسی و تعیین روابط تعادلی بلند مدت بین چند متغیر اقتصادی سری زمانی، از روش یوهانسن-جوسیلیوس استفاده خواهیم کرد. در این روش تعیین برآورد بردارهای هم جمعی بین متغیرها با استفاده از ضرایب الگوی خود توضیح‌برداری (VAR) بین آن متغیرها صورت می‌گیرد. ارتباط بین الگوی VAR و هم جمعی این امکان را فراهم می‌کند تا به سادگی بردارهای هم جمعی را از روی ضرایب الگوی خود توضیح‌برداری به دست آورد. روش فوق تعداد روابط بلند مدت را آزمون و شناسایی می‌کند و برآوردهای سازگاری از عوامل به دست می‌دهد (Johansen, 1988: 27). به منظور برآورد تعادل بلندمدت به روش یوهانسن-جوسیلیوس، ابتدا مرتبه جمعی بودن متغیرها تعیین می‌شود. سپس، برای تعیین تعداد وقفه بهینه از معیار آکاییک و شوارتز-بیزین استفاده می‌شود. برای تعیین تعداد بردارهای هم جمعی از آزمون اثر (λ trace) و آزمون حداکثر مقدار ویژه (λ_{max}) استفاده خواهد شد.

خلاصه نتایج آزمون دگی فولر که در جداول (۱) و (۲) آمده است، نشان می‌دهد که متغیرهای الگو جمعی از مرتبه یک هستند.

تحلیل‌های هم جمعی به روش یوهانسن، مستلزم تعیین طول وقفه بهینه (P) در الگوی VAR است. تخمین‌های روابط بلند مدت به طول وقفه انتخاب شده برای VAR خیلی حساس هستند. وقفه‌ها را نباید بیش از حد بزرگ انتخاب کرد. وقفه باید به اندازه‌ای انتخاب شود که مشکل همبستگی پیاپی وجود نداشته باشد (نوفرستی، ۱۳۷۸: ۲۶). نتایج این آزمون در جدول (۳) آمده است.

جدول شماره (۳): تعیین تعداد وقفه‌های بهینه در الگوی تابع توسعه اقتصادی

نتیجه	آکاییک	شوارتز-بیزین	تعداد وقفه
-	۳۶/۲۶۲۵۸	۳۶/۵۳۱۹۳	۰
تایید	۳۴/۸۲۲۱۸*	۳۵/۴۹۵۵۷*	۱
-	۳۴/۹۲۶۴۰	۳۶/۰۰۳۸۳	۲

معیارهای آکاییک و شوارتز-بیزین، حداکثر خود را به ازای طول وقفه یک دارند، بنابراین بر اساس هر دو معیار فوق طول وقفه بهینه یک تعیین می‌شود.

آزمون‌های ریشه واحد انجام شده بر روی متغیرهای فوق این مسأله را تایید می‌کنند که تمامی آن‌ها انباشته از مرتبه یک هستند. بدین ترتیب با تعیین مرتبه انباشتگی متغیرها، اولین قدم در به کارگیری روش جوهانسن برداشته شده است. در روش مورد استفاده، الگوی کوتاه‌مدت، فاقد روند زمانی بوده و تنها دارای عرض از مبدأ می‌باشد. این عرض از مبدأ سبب خواهد شد تا روابط بلند مدت از روند برخوردار شوند. اما فرض بر این است که عرض از مبدأ روابط بلند مدت، توسط عرض از مبدأ روابط کوتاه مدت خنثی شده‌اند، به گونه‌ای که در نهایت تنها عرض از مبدأ برای الگوی کوتاه مدت باقی مانده است.

حال بردارهای هم انباشته بین متغیرهای تابع توسعه اقتصادی ایران به روش جوهانسن برآورد می‌شوند که مطابق آن نتایج آزمون‌های اثر و حداکثر مقادیر ویژه در جداول (۴) و (۵) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (۴): تعیین تعداد بردارهای همگرا

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	مقدار آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
$I=0$	$I \geq 1$	۶۶/۵۴	۵۴/۰۸
$I \leq 1$	$I \geq 2$	۳۶/۴۱	۳۵/۱۹
$I \leq 2$	$I \geq 3$	۱۴/۹۹	۲۰/۲۶
$I \leq 3$	$I \geq 4$	۲/۹۹	۹/۱۶
$I \leq 4$	$I \geq 5$	۱/۴۵	۸/۵۲

بردار همگرا را برای آزمون اثر پذیرفت، چرا که مقدار آماره آزمون در این رابطه ۱۴/۹۹ می‌باشد که از مقادیر بحرانی ۲۰/۲۶ در سطح ۹۵٪ کمتر می‌باشد.

جدول شماره (۵): تعیین تعداد بردارهای همگرا بر اساس آزمون حداکثر مقادیر ویژه

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	مقدار آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
$I=0$	$I=1$	۱۳/۳۰	۲۸/۵۹
$I \leq 1$	$I=2$	۲۱/۴۲	۲۲/۳۰
$I \leq 2$	$I=3$	۱۱/۹۹	۱۵/۸۹
$I \leq 3$	$I=4$	۲/۹۹	۹/۱۶
$I \leq 4$	$I=5$	۱/۴۵	۸/۵۲

مطابق نتایج جدول (۵)، وجود یک بردار همگرا برای آزمون حداکثر مقادیر ویژه تایید می‌شود. زیرا کمیت آماره آزمون ۲۱/۴۲ کمتر از مقدار بحرانی ۲۲/۳۰ در سطح ۹۵٪ می‌باشد. روابط بلند مدت برآورد شده در جدول (۶) آمده است. هر یک از روابط هم جمعی به دست آمده مبین یک رابطه تعادلی بلند مدت است.

بنابراین مشکلی که وجود دارد شناسایی روابط تعادلی بلند مدتی است که از نظر اقتصادی با مفهوم هستند. و این کار امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آن که اطلاعات اضافی دیگری خارج از الگو در اختیار داشته باشیم. چنین مسأله‌ای تعجب‌آور نیست، زیرا هم‌جمعی یک مفهوم کاملاً آماری بر مبنای ویژگی‌های متغیرهای سری زمانی است. چون هم‌جمعی فاقد مبانی نظری اقتصادی است، روابطی که هم‌جمع هستند، لزوماً دارای مفهوم اقتصادی نیستند (نوفرستی، ۱۳۷۸: ۲۷).

جدول شماره (۶): نتایج رابطه بلند مدت بین متغیرهای مدل

ضریب	انحراف معیار	مقدار آماره t استیودنت	
۱			GDP
-۱/۴۱	۰/۲۰	۷/۰۵	LP
۰/۰۶	۰/۰۰۴	۱۵	LBS
۴/۵۷	۱/۴	۳/۲۶	LFE
-۶/۹۲	۰/۹۴	۷/۳۶	LBD

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس جدول (۶) تابع ثبات اقتصادی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$GDP = -1.41LP - 0.06LBS + 4.57LFE - 6.92LBD$$

$$SE: (0.20) (0.004) (1.4) (0.94)$$

در این الگو، نرخ تورم در ایران رابطه معکوس و معنی‌داری با توسعه اقتصادی دارد به گونه‌ای که یک درصد افزایش در نرخ تورم، به طور متوسط توسعه اقتصادی ایران را ۱/۴۱ واحد کاهش می‌دهد. هم‌چنین توسعه اقتصادی در ایران رابطه معکوس و معنی‌داری با کسری تراز بازرگانی دارد به گونه‌ای که یک درصد افزایش کسری تراز بازرگانی، به طور متوسط توسعه اقتصادی ایران را ۰/۰۶ واحد کاهش می‌دهد.

رابطه مبادله خارجی نیز با توسعه اقتصادی ایران رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد به گونه‌ای که یک درصد افزایش در رابطه مبادله خارجی، به طور متوسط توسعه اقتصادی ایران را ۴/۵۷ واحد افزایش می‌دهد.

کسری بودجه نیز با توسعه اقتصادی ایران رابطه معکوس و معنی‌داری دارد به گونه‌ای که یک درصد افزایش در کسری بودجه، به طور متوسط توسعه اقتصادی ایران را ۶/۹۲ واحد کاهش می‌دهد.

بحث و نتایج

دستیابی به اهداف بلندمدت اقتصادی و رشد و شکوفایی اقتصادی نیازمند همت و تلاش همه‌جانبه و اراده و خواست عمومی است. یکی از جنبه‌های حمایتی در تولید ملی می‌تواند ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی باشد. تغییرات مداوم سیاست‌های اقتصادی و مقررات مالی و سرمایه‌گذاری رسبک

سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذار تصویر درستی از آینده اقتصادی خود نخواهد داشت. و بنابراین تغییرات مداوم سیاست‌ها انگیزه‌ها را برای کار و تلاش و تولید کم می‌کند و در نتیجه صادرات را کاهش می‌دهد. لذا با توجه به اهمیت ثبات اقتصادی، در این مقاله به بررسی نقش بی‌ثباتی اقتصادی در توسعه اقتصادی ایران پرداخته شده و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مبادله خارجی رابطه مستقیم و نرخ تورم، کسری تراز بازرگانی، کسری بودجه رابطه معکوسی با توسعه اقتصادی ایران دارد. پس می‌توان این طور نتیجه گرفت که با ثبات قیمت‌ها، کاهش کسری بودجه، افزایش رابطه مبادله خارجی و ایجاد تعادل در تراز تجاری کشور تا سطحی که از نفت خام بی‌نیاز شود، می‌توان تولید را افزایش داد و در نتیجه با افزایش تولید، اقتصاد از یک ثبات نسبی بهره‌مند شده و به رشد پایدار اقتصادی دست خواهد یافت. پس می‌توان با توسعه اقتصادی، مهم‌ترین گام را در مسیر حماسه اقتصادی برداشت که این عمل می‌تواند در ایران انجام گیرد.

با بررسی نتایج به دست آمده از برآورد مدل و با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیداتی که کشور با آن مواجه است، راهکارهای ذیل برای توسعه اقتصادی ایران از طریق ایجاد ثبات اقتصادی پیشنهاد می‌گردد:

- مردمی کردن اقتصاد
- خصوصی‌سازی (اجرای سیاست‌های اصل ۴۴)
- جلوگیری از تصمیمات خلق‌الساعه و تغییر مداوم مقررات
- دوری از اقتصاد نفتی
- مدیریت مصرف
- تولید دانش بنیان

منابع

- خلیلی عراقی؛ و دیگری. (۱۳۸۰). اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان. *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۵۸، ص ۲.
- صامتی، م؛ و دیگری. (۱۳۹۱). تاثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیا. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه*.
- گرچی، ا؛ و دیگری. (۱۳۸۲). بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی ایران با روش سیستم معادلات همزمان. *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*. شماره ۲۸، صص ۲۴-۱.
- گسگری، ر؛ و دیگران. (۱۳۸۵). بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*. ۶.
- نوفرستی، م. (۱۳۷۸). *ریشه واحد و هم جمعی در اقتصاد سنجی*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- Andersen, Pall and David Gruen. (1995). "Macroeconomic Policies and Growth". **Research Discussion Paper 9507**. Reserve Bank of Australia.
- Bleaney, Michael F. (1995). "Macroeconomic stability, investment and growth in developing countries". **Journal of Development Economics**. Vol. 48, P.p: 461-477.
- Burda, M., C. and S. Gerlach. (2010). A credible Stability and Growth Pact: Raising the bar for budgetary transparency. In **Completing the Eurozone Rescure: What More**

- Needs to be Done? Richard Baldwin and Daniel Gros (eds), A VoxOrg Publication, London, P.p: 65-68.
- Dhonte, Pierre and Shan Kapur. (1997). "Toward a Market Economy: Structure of Governance". **IMF working paper**. No. 11.
- Fischer, S. (1993). "The role of macroeconomic factors in growth". **Journal of Monetary Economics**. P.p: 485-512.
- Hadjimicheal, M, Ghura .D. & Muhlesien. M., (1994). "Effects of Macroeconomic stability on Growth, Saving and Investment in Sub- Saharan Africa: An Empirical Investigation". **IMF Working Paper**. No. 9.
- Heipertz, M. and A. Verdun. (2010). Ruling Europe, The Politics of the Stability and Growth Pact. **Cambridge University Press**. Cambridge.
- Johansen, S. (1988). Statistical Analysis of Cointegration Vectors. **Journal of Economic Dynamic and control**. Vol. 12, No. 3, P.p: 213-257.
- Jonung, L., M. Larch and J, Fischer. (2008). 101 Proposals to reform the Stability and Growth Pact. Why so many? A survey, **Public Finance and Management**. vol. 8, no. 3, P.p: 502-560.
- Larch, M. and Noord P. and Jonung, L. (2010). "The stability and growth pact: lessons from the great recession". **MPRA Paper**. No. 27900, posted 9. January 2011- 19:30 UTC.
- Levine, Ross & David, Renelt. (1990). A Sensitivity Analysis of Cross- Country Growth Regression, mimeo. **World Bank**. Published in 1992, American Economic Review, 82 (4), P.p: 942-63.
- Pindyck, S and Solimano, A. (1993). "Economic Instability and Aggregate Investment". Massachusetts Institute of Technology.
- Turtelboom. (1991). "Bart. Interest Rate Liberalization: some Lessons from Africa". **IMF Working paper**. No. 121.
- World Bank, World Development Report**. (1991). P.p: 109-110.